

به فضل الله سبحانه و تعالی، امروز امت بیش از هر زمان دیگری به تحقق هدف خود یعنی اقامه خلافت نزدیک شده است. از الله سبحانه و تعالی مسئلت داریم که این سال به پایان نرسد، مگر آنکه با فرستادن اهل قدرت و شوکت بر ما منت نهد؛ همان کسانی که با دادن نصرت به حزب التحریر، زمینه ساز اعلام خلافت راشده بر منبج نبوت گردند؛ خلافتی که ما را متحد سازد، یاری مان دهد و اسلام را در میان ما جاری و ساری گرداند.



در این شماره می خوانید :

تکاهی به درگیری و طمع‌ورزی‌های بین‌المللی در سودان... ۲

رقابت خونین برستان و امارات در حضرموت؛ تقابلی در خدمت پروژه‌های استعماری بین... ۲۰۰

باز پس‌گیری آگاهی سلب شده... ۳

سرپرستی محافظت نمی‌کند و درگیری با غرب حتمی است... ۴

صحنه سیاسی مصر: میان وابستگی خارجی، استبداد و مسئولیت داخلی صاحبان قدرت و شوکت... ۴۰۰

چهارشنبه ۲۶ جمادی الآخر ۱۴۴۷ ه‍.ق، ۱۷ دسامبر ۲۰۲۵ م، ۲۶ آذر ۱۴۰۴ ش.

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی‌گوید

شماره : ۵۷۸ تعداد صفحه : ۴

مقاله برگزیده

استراتژی امنیت ملی آمریکا ۲۰۲۵؛ انگیزه‌ها، جهت‌گیری‌ها و پیامدها

استاد یاسین بن یحیی

استراتژی امنیت ملی آمریکا یک سند راهبردی عالی است که رئیس‌جمهور آن را طبق الزام رویه‌های مندرج در قانون «گلدواتر نیکولز» مصوب ۱۹۸۶ صادر می‌کند، بدون آنکه الزام قانونی داشته باشد یا اثر مستقیم قانون‌گذاری بر جای بگذارد؛ زیرا این سند حقوق یا تکالیفی که در دادگاه قابل اجرا باشد، ایجاد نمی‌کند. با این حال، این سند به‌عنوان رسمی‌ترین سند دکتترین رئیس‌جمهور در زمینه امنیت ملی و سیاست خارجی، وزن سیاسی قابل‌توجهی دارد و به‌عنوان چارچوبی راهبردی عمل می‌کند که سیاست‌های وزارت دفاع، وزارت خارجه و دستگاه‌های اطلاعاتی را هدایت می‌نماید. همچنین از این سند برای مدیریت روابط با کنگره، توجیه بودجه‌های دفاعی و ارسال پیام‌های سیاسی روشن به متحدان و رقبای آمریکا درباره اولویت‌ها و جهت‌گیری‌های کلان این کشور استفاده می‌شود. بدین ترتیب، این سند ماهیتی دوگانه دارد (شکلی قانونی و محتوایی سیاسی) که آن را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تصمیم‌گیری استراتژیک در آمریکا تبدیل کرده است.

مهم‌ترین نکات استراتژی امنیت ملی آمریکا ۲۰۲۵:

در تغییر بنیادین نسبت به استراتژی امنیت ملی سال ۲۰۲۲ که خواستار تقویت دموکراسی در سایه نظم جهانی فعلی بود، دولت ترامپ روز گذشته (چهارم) استراتژی جدیدی را منتشر کرد که بر اصل عدم مداخله و اولویت دادن به «اول آمریکا» تاکید دارد.

اعلام چرخش استراتژیک بزرگ در سیاست خارجی آمریکا از این است ناشی می‌شود که دوران رهبری تک‌قطبی جهانی به سر آمده است و جای خود را به اولویت حفاظت از داخل آمریکا و کاهش تعهدات نظامی جهانی داده است. این دیدگاه جدید بر اصل ملزم کردن متحدان به پرداخت سهم بیشتری از هزینه‌های امنیتی‌شان استوار است، هم‌زمان با تبدیل ارتش آمریکا به نیرویی با گسترده‌گی کمتر و تکنولوژی‌محورتر که به‌جای ارتش‌های زمینی سنتی، بر بازدارندگی از طریق قدرت هوایی و موشکی تکیه دارد و از درگیری شدن در جنگ‌های خارجی مستقیم می‌کاهد. این سیاست، آمریکای لاتین و مرزهای جنوبی را به‌عنوان اولویت اصلی در چارچوب مقابله با تهدیدات مستقیمی همچون مهاجرت غیرقانونی و جنایت سازمان‌یافته فرامرزی قرار می‌دهد.

آمریکا در مواجهه با تهدیدات اساسی، سیاست‌های منطقه‌ای متمایزی را در پیش می‌گیرد که بر کاهش نقش مستقیم استوار است. در برابر چین به‌عنوان اقبال اصلی، استراتژی بازدارندگی اقتصادی و نظامی پیرامون تایوان را با پرهیز از جنگ مستقیم اتخاذ کرده و از متحدانی مانند ژاپن و کره می‌خواهد که مسئولیت بیشتری را بر عهده بگیرند. در اروپا که واشنگتن آن را در معرض «فریب‌یافتن متحدی» می‌بیند، با هرگونه گسترش ناتو مخالفت کرده

و از اروپایی‌ها می‌خواهد خودشان از خود محافظت کنند. اما در خاورمیانه، ضمن حفظ حمایت محدود برای ثبات کثیرالمنی و مهار ایران، از جنگ‌های جدید دوری چشمه و مسئولیت را بر دوش شرکای محلی می‌اندازد. تمام این موارد بازتاب‌دهنده تمرکز عمیق داخلی بر بازسازی صنعت، تشدید امنیت مرزها و کاهش وابستگی به زنجیره‌های تأمین خارجی – به‌ویژه چینی – است؛ با این دیدگاه که امنیت اقتصادی اکنون مهم‌تر از امنیت ملی سنتی اولویت یافته است.

بدین ترتیب، این استراتژی میان حفظ رهبری آمریکا بر نظام بین‌الملل و بازتعریف اولویت‌هایش جمع می‌کند؛ بر اساس معادله یک قدرت جهانی که می‌خواهد قدرتمند بماند، اما به هزینه کمتر، مداخله کمتر و متحدانی قوی‌تر (و مستقل‌تر).

ادامه صفحه ۳



ما این روزها در سالگرد یکی از ایام‌الله ایستاده‌ایم؛ روزی که بنی‌از و راست گفت الله سبحانه و تعالی که می‌فرماید: «مَا يَوْذُ الذِّينَ بَتَّاهِیْ اَیْنِ دَوْرَانِ فَرُو رِبْعَتَ وَ طَلَفُوْنِی سَقُوْطَ کَرْمِیْ کَرْمِیْ لَمَسْلَمَانِ رَا بِه فَکَرُوْا مِنْ اَهْلِ الْکِتَابِ وَنَا الْفَشْرِکِیْنِ اَنْ یَنْزِلَ عَلَیْکُمْ مِنْ خَیْرِ مِّنْ رَّکْمٍ» بدترین عذاب‌ها گرفتار کرده بود و جنگی بی‌امان را علیه اسلام، اهل آن و احکامش اعلام نمود. او گمان می‌برد که ایرانیان و پارتیان او را از سوی پروردگارتان بر شمشاد تامل شود.

از امر الله سبحانه و تعالی حفظ می‌کنند؛ پس ابرایش آمریکا، دشمنان زمین و جنایت‌گارش را به خدمت او درآورد تا وی را در برابر خشم امت و مردان صادق در سرزمین شام محافظت کنند. تا اینکه الله آتش نظام فلولت و سرکوبگری‌اش بازگرداند. علاوه بر اینکه برادران سبحانه و تعالی ما را با نصرت خود گرامی داشت، نصرتی که ما را در حمایت مسئولیتی بزرگ و آزمون عظیم قرار داد؛ آیا این جان‌فشان‌ها را حاکمیت اسلام و دولت آن و اجرای شریعتش تأیید می‌کند یا نه؟

درگاه او حقیقتاً شاکر باشیم و نعمت پیروزی بر ما تداوم یابد؛ یا اینکه به شریعت او پشت کرده و روی برمی‌گردانیم که در این صورت – پیانه – ما الله سبحانه و تعالی – مانند زنی خواهی بود که رشته خود را پس از محکم بافتن، از هم گسست؟

همانا خون‌های پاک که ریخته شد، جان‌فشان‌های عظیمی که صورت گرفت. قهرمانی‌هایی که اهل حماسه رقم زدند و دردهایی که مردان، پیران، زنان و کودکان چشیدند، پاداشی جز حکم کردن اسلام ندارد. این امر تنها با اعتقاد به پایگاه مردمی (که همواره ما را یاری کرده‌اند) پس از توکل بر الله سبحانه و تعالی محقق می‌شود؛ چرا که این پایگاه، تکیه‌گاهی طبیعی است، نه سراب تکیه بر دولت‌هایی که با ما بازی می‌کنند. پیروزی مرحله‌ای که الله سبحانه و تعالی بر ما منت نهاد، کامل نمی‌شود مگر با تحقق اصول ثابت انقلاب، از جمله ریشه‌کن کردن کافر استعمارگر و پایان دادن به نفوذ او در سرزمین‌هایمان، تا اینکه اقتدار غصب شده امت به آن بازگردد.

شادی ما از سقوط فلولت نباید باعث شود فروپاشی کنیم که غرب کافر در و راس آن آمریکا، ریشه و اساس این بیماری است و ابزارهای آنان در منطقه، نقشه‌هایی شوم و بزرگ برای ما در سر دارند. همانا لعل زدن به دنبال رضایت موهوم آمریکا، جز خوار و حقارت برای ما به ارمغان داخلی و امنیت اجتماعی منجر می‌شود!

ادامه صفحه ۴

لوح فشرده «فعالیت‌های جهانی حزب التحریر در یاری غزه»

در برابر قهرمانی‌هایی که مجاهدان قهرمان در سرزمین مبارک (فلسطین) در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ میلادی علیه رژیم غاصب یهود رقم زدند و حقیقت آن را برما ساختند که رژیمی مسخ‌شده و سست از خانه عنکبوت است و در مواجهه با نسل‌کشی دست‌جمعی که یهود با حمایت مستقیم آمریکا در حق مردم غزه مرتکب می‌شود، و همچنین به مناسبت گذشت دو سال از آغاز این نسل‌کشی مداوم، دفتر رسانه‌ای مرکزی حزب التحریر این اثر عظیم را به مسلمانان تقدیم می‌کند؛ با عنوان: «فعالیت‌های جهانی حزب‌التحریر در یاری غزه».

این مجموعه شامل بخش گسترده‌ای از فعالیت‌ها، راه‌یابی‌ها، اجلاس‌ها، نشست‌ها و نشریاتی است که حزب در طول این دو سال، به‌ویژه برای یاری غزه و عموماً برای فلسطین، سازماندهی و منتشر کرده است؛ فعالیت‌هایی که در آن‌ها ارتش‌های امت را به فریاد طبله است تا برای یاری مسلمانان در سرزمین مبارک، آزادسازی مسجدالاقصی مبارک، پاکسازی فلسطین از رود تا دریایش از پاییزی یهود و ریشه‌کن کردن این رژیم مسخ‌شده، اعلام جهاد و بسیج عمومی کنند. همچنین از ارتش‌های امت مطالبه کرده است که برای برپایی دولت خلافت راشده دوم بر منبج نبوت، به حزب «نصرت» دهند؛ دولتی که از نوامیس مسلمانان پاسداری می‌کند، مانع ریختن خوضشان می‌شود و آنان را چنان‌که الله سبحانه و تعالی فرمان داده، به شایستگی سرپرستی می‌نماید و امید است که آن روز نزدیک باشد.

برای دانلود این مجموعه از رابط زیر استفاده کنید: فعالیت‌های جهانی حزب‌التحریر در یاری غزه
https://media.hizb-uttahrir.info/CDS/CMO_GAZA_WAR_HT_ACTV_2023_2025_40GB.rar

راه حل صحیح برای جزیره قبرس

واقعاً دردناک است که هیمنه و سلطه کافران استعمارگر بر سرزمین‌های مسلمانان، یکی پس از دیگری در برابر دیدگان حکام مسلمان افزایش می‌یابد، بدون آنکه این سلطه را محکوم کنند؛ چه رسد به اینکه واکنشی در برابر آن نشان دهند که دشمن را به خانه خودشان بازگردانند، بلکه باید آنان را تعقیب کنند، همان‌گونه که در روزگار خلافت راشده تعقیب می‌شدند تا اینکه اسلام با عدالتش در سراسر جهان گسترش یافت. اما چگونه حکام وفادار به کافران استعمارگر می‌توانند در برابرشان بایستند؟! این قبرس شاهدی بر این معاست؛ چرا که آمریکا هر چه خواهد در آن انجام می‌دهد، با وجود اینکه جزیره‌ای اسلامی است که مسلمانان در دوران سروران عثمان، خلیفه سوم راشد در سال ۲۸ هجری آن را فتح کردند. فتح این جزیره از نخستین نبردهای دریایی مسلمانان بود و گروهی از صحابه رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در فتح آن شرکت داشتند. از جمله ابوذر، عیاده بن صامت و همراهش همسرش ام‌جرام، ابودردا، و شداد بن اوس (رضی‌الله‌عنهم) و هنوز قبر صحابی جلیل‌القدر «ام‌جرام» از زیارتگاه‌های مشهور در قبرس است. قبرس جایگاهی در تاریخ اسلام دارد و به همین دلیل زمانی که ملیب‌های اروپایی در جنگ‌های صلیبی اول خود علیه سرزمین‌های اسلامی آن را اشغال کردند، مسلمانان آرام نگرانند تا اینکه آن را آزاد کردند و به اصلش، یعنی سرزمین‌های سپین این جزیره مانند سایر سرزمین‌های مسلمانان جزو دولت عثمانی شد؛ زیرا خلافت به آنان منتقل شده بود. پس هنگامی که خلافت لغو شد، انگلیسی‌ها قبرس را به به دست‌عترت خود شمیمه کردند. اما همان‌گونه که مسلمانان آن را از صلیبی‌ها به دارالاسلام بازگردانند، به اذن الله سبحانه و تعالی عزیز و حمید، دوباره آن را به دارالاسلام باز خواهند گرداند.

این همان راحل صلیح برای قبرس است که به اصل خود به‌عنوان سرزمینی اسلامی بازگردد، همان‌طور که در دوران خلافت عثمانی بود و باید به‌عنوان بخشی از ترکیه بازگردد تا زمانی که خلافت دوباره برپا شود و پرچم اسلام در آسمان هر دو تمام سرزمین‌های مسلمانان بازگرفته گردد و این امر به اذن الله سبحانه و تعالی شدن است و آن همان رستگاری بزرگ است. این است راحل و این است حق: «فَقَدْآ بَعْدَ الْخَوِّ اِلَّا الضَّلَالُ فَاتَّی تَشْرُوْنُ» «پس بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟ پس چگونه از حق بازگردانده می‌شود؟».

برگزیده‌ای از پاسخ به پرسش صادر شده توسط امیر حزب‌التحریر، عالم جلیل‌القدر عبان بن خلیل ابوالرشته

اسلام ایتگونه مردانش را می پرورد

هر آن‌کس که در راه دعوت گام برمی‌دارد، باید بداند که آنچه از سبزه‌ها، تنگنا، تخریب چهره، زندان و شکنجه می‌بیند، چیزی جز ابتلا و گزینش نیست و پاداش آن بزرگتر از آن است که تصور شود: «فا تعلم نفس ان احسن ما عفی عن قرة العین» «هیچ کس نمی‌داند چه پاداش‌ای برای کسی که مایه روشنی چشم‌هاست برای آن‌ها نهفته شده است».

پس ای ماملان دعوت، ثابت‌قدم باشید، چرا که شما در مسیر پیامبران گام برمی‌دارید و الله سبحانه و تعالی پاری‌گر شماست، هرچند پس از مدتی و بداند که راه حق با جان‌فشان‌ها آینه‌شده شده است و کس در این استوار نمی‌ماند مگر آنکه بر سر و رضا تمرین کرده باشد؛ همان‌گونه که پیامبران اووالو امر پیشه کردند. همانا رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با جاهلیت خستین روبرو شد و پایداری ایشان همان نوری بود که تاریکی آن را زدید و پاداش آن در جاهلیت دوم زندگی می‌کیم که نظر‌کنادر شیدرت است، زیرا به نام دین آمده است و اما آن را از حق متواضی می‌کند، حق را تحریف نمی‌داند و باطل را بزرگ نمی‌داند.

امروز میر تنها بر آزار یا زندان‌ها نیست، بلکه میر بر غربت است؛ میر بر کثرت شهات و تکذیب‌ها، بر تعقیب و تفسیر و جاسوسی، بر تخریب چهره فداش و بر فراوانی کسانی که به نام‌هایی همچون «افکارپرای»، «صیاموری» و «امنیت وطن و ملیگرایی» بجسوی باطل دعوت می‌کنند.

با این وجود، الله سبحانه و تعالی با ماست؛ با وعده، یاری و پادار گردانند، اما همراه ماست، پس بگذارید این مرحله برای ما کلاس تربیتی باشد، همان‌گونه که مکه برای مسلمان نخستین دو دعا کیم همان‌طور که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در اوقات سختی ما می‌کرد و با یقین به این اصل عمل کنیم، «حق» که مطالبه‌گری پشت آن باشد، هرگز ضایع نمی‌شود».

نگاهی به درگیری و طمع ورزی‌های بین‌المللی در سودان

استاد عبد السلام اسحاق

نظرات اسلامی

رقابت خونین عربستان و امارات در حضرموت؛ تقابلی در خدمت پروژه‌های استعماری یمن

استاد عبد العزیز الحامد — ولایت یمن —

امضا کند که بر اساس آن، نیروهای «بن حبریش» از منابع نفتی عقب‌نشینی کنند و نیروهای شورای انتقالی نیز عقب‌نشینی کرده و به پایگاه‌های خود در خارج از استان حضرموت بازگردند. این اقدام متضمن شکستی آشکار برای طرح امارات جهت تسلط بر کل استان نفت‌خیز حضرموت و همچنین استان مجاور آن، «مهره» بود (که یادگان‌هایش را بدون درگیری تسلیم شورای انتقالی کرده بود).

اما نیروهای شورای انتقالی به آن توافق تن ندادند و با حمله به «عمرو بن حبریش»، او را از بخش‌های نفتی بیرون راندند. هیئت سعودی همچنان در استان حضرموت مستقر است و حضور نیروهای انتقالی را رد می‌کند و استاندارد جدید را تحت‌فشار گذاشته تا از تلاشش بخواهد نیروهای انتقالی را از استان خارج کند یا تهدید به استعفا نماید تا پست استانداری خالی بماند و صحنه سیاسی (از پیش آشفته) را آشفت‌تر کند. در همین حال، نیروهای «سپر وطن» وابسته به عربستان که در مهره مستقر بودند، حرکت کرده و بر یادگان‌ها، نهادهای دولتی و گذرگاه‌های مرزی این استان مسلط شدند. بدین ترتیب ریح امارات برای سيطرة بر کل استان حضرموت تا حد زیادی با شکست مواجه شد و «رشاد العلیمی»، رئیس دولت، برای رایزنی به ریاض فرخوانده شد. با این‌حال، انتظار نمرود نیروهای شورای انتقالی به این آسانی خارج شوند، چرا که هنوز بسیاری از مناطق حساس داخل استان مانند بخش نفت، بادر، فرومگاه‌ها، جزایر و غیره را در دست دارند.

با این وجود، برای نخستین بار درگیری خونینی با سلاح‌های

هم‌زمان با آتش‌بس میان رژیم یهود و حماس، و فعالیت‌های دیپلماتیک در یمن شتاب گرفت و فشارهای بین‌المللی برای ورود طرف‌ها به مذاکرات صلح جامع به رهبری سازمان ملل افزایش یافت. گروت‌دیرک، فرستاده سازمان ملل در امور یمن، گفت‌وگوهایی متعددی را با مقامات یمنی و مسئولانی از کشورهای درگیر در جنگ یمن (ایران، عربستان و امارات و در پس آن‌ها آمریکا و بریتانیا) در مسقط و ریاض انجام داد.

حوتی‌ها از عربستان خواستند «نقشه راهی» را که ریاض با تأیید آمریکا اعلام کرده بود، اجرایی کند؛ نقشه‌ای که سهم شیر (بخش اعظم) نفوذ و ثروت کشور را به حوتی‌ها می‌دهد. از سوی دیگر، وزیر امور خارجه عربستان تکرار کرد که نقشه راه آماده اجرائست که اشاره‌ای ضمنی بود به اینکه مانع اجرای آن، دولت علیمی و شورای انتقالی در حمایت امارات هستند. در واقع، عیدروس الزبیدی، رئیس شورای انتقالی اعلام کرد که آن نقشه راه دیگر مناسب نیست. مقامات دولتی نیز تأکید کردند که در احل باید بر اساس مراجع سمنگانه (ابتکار خلیج، خروجی‌های اجلاس گفتگوی ملی و قطعنامه ۲۲۱۶ سازمان ملل) باشد؛ مراجعی که حوتی‌ها را شبه‌نظامیانی خارج از مشروعیت می‌دانند که باید سلاح خود را تحویل دهند!

بدین ترتیب وضعیت در یمن تغییر نکرد، اما عربستان اخیراً فشارهای سیاسی اعمال کرد تا برای اجرای آن نقشه راه، بدون پیش‌شرط وارد مذاکرات صلح شوند. با این‌حال، انگلیسی‌ها این روند را نپسندیدند. زیرا آن نقشه راه نقش دولت علیمی و احزاب زیرمجموعه آن را



الیم

سنگین در داخل حضرموت رخ داد و تعداد زیادی کشته و زخمی از هر طرف بر جای گذاشت که همگی از فرزندان همان استان بودند!

بدین‌گونه، استعمار تا زمانی که خون خودش ریخته نشود، اهمیتی به خون‌های جاری نمی‌دهد؛ چرا که کسانی هستند که آماده‌اند برای تحقق منافع استعمار به پایایی ناپذیر بچنگند، حتی اگر به قیمت برادری، دین و عقیده تمام شود!

ای مردم یمن: همانا اسلام جنگیدن مسلمان با برادر مسلمانش را حرام کرده است، مگر در حدودی بسیار خاص که احکام شرعی آن را تبیین نموده است و هیچ‌یک از آن موارد بر این جهت حفاظت از منافع کافر استعمارگر در پنهان است، مدق نمی‌کند.

راحم با جادشدن از تمام رهبران محلی بدون استثنا آغاز می‌شود، زیرا آنان تنها با تکیه بر قدرتهای خارجی عمل می‌کنند و برای تحقق منافع دیگران تلاش نمی‌نمایند، حتی از تابلوهای پرزرق‌وبریز همچون «مرکز بر آمریکا»، «حقوق حضرموت»، یا «هابی از شمالی‌ها» را بلند کنند؛ تمام این شعارهای منطقه‌ای و فرقه‌ای، شعارهایی فریبنده هستند که سرسپردگی مطلق به کافر استعمارگر را پنهان می‌کنند.

سپس این راه‌ل با برپایی خلافت راشده دوم بر منتهج نبوت پایان می‌پذیرد؛ خلافتی که خون مسلمانان را حفظ می‌کند، از ثروت‌هایشان پاسداری می‌نماید و نفوذ استعماری و مزدورانش را از کشور بیرون می‌راند و ما در حزب‌التحریر بودما را دعوت می‌کنیم که گرد این پروژه عظیم که خیر دنیا و آخرت در آن محقق می‌شود، جمع شوید.

حزب‌التحریر / ولایت ترکیه؛ «آتی در غزه خاموش نمی‌شود و ظلم پایان نمی‌یابد»

حزب‌التحریر / ولایت ترکیه فعالیت‌هایی را برای قرانت بیانیه مطبوعاتی در ده شهر اصلی تحت عنوان: «آتش در غزه خاموش نمی‌شود و ظلم پایان نمی‌یابد» برگزار کرد. این اقدام در اعتراض به تداوم اشغالگری و کشتارها در غزه، به‌رغم آنچه «آتش‌بس» نامیده می‌شود، صورت گرفت. «ارتش‌ها مسووم مسجداًالقاصی»، «طرح آتش‌بس» موسوم به آتش‌بس را بر ملا کند؛ طرحی که ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا آن را تدوین کرد و متحدهانش با تضمین‌هایی از سوی مصر، ترکیه و قطر، سخت برای تحقق آن کوشیدند. همچنین [تظاهرکنندگان] خواستار بازخواست حکام مسلمان به دلیل سگوکشان در برابر کشتارهای مستمر شدند.

در آنکارا پس از نماز ظهر در مسجد «حاجی بایرام ولی»، راهپیمایی‌ای با برافراشتن پرچم‌های توحید به راه افتاد؛ تظاهرکنندگان با مدای بلند تکبیر گفتند و شعارهای همچون «ارتش‌ها مسووم مسجداًالقاصی»، «طرح آتش‌بس» دام کافران است» و «من دوست آمریکا نخواهم بود، من مسلمان، مسلمانم» سر دادند. بیانیه مطبوعاتی تأکید کرد که حکام تضمین‌کننده، حتی کاری برای غزه در حال احتضار انجام ندادند و سگوک شدند؛ سگوک کردند؛ و برای حفظ تخت و تاج خود، حقیقتاً توانستند آنچه را رخ می‌دهد محکوم کنند! طرح ترامپ به‌منوان نقشه‌های شرورانه توصیف شد که هدفش شکستن اراده مقاومت، مشروعیت بخشیدن به اشغالگری و بلکه تثبیت یک قیومیت استعماری جدید بر نوار غزه است. بیانیه مطبوعاتی ضمن دعوت امت اسلامی به وحدت، تأکید کرد که راه‌ل نه در سازمان ملل (که غرب استعمارگر بر آن سيطرة دارد)، بلکه در دولت خلافت راشده دوم بر منتهج نبوت نهفته است که تنها رهبری سیاسی امت اسلامی می‌باشد.

و جنگی را اعلام نمودند که تر و خشک را با هم سوزاند و قربانیان آن بی‌گناهانی بودند که گرفتار کشتار، تجاوز، غارت، خرابی و ویرانی شدند. بدین ترتیب، آمریکا از نیروی نظامی بهره برد و توانست از این طریق، ورق را علیه مزدوران بریتانیا یعنی غیرنظامیان و دولت مدنی برگرداند. (آقای مالک عقار، معاون رئیس شورای حاکمیت انتقالی، امروز با سفیر ریچارد کرودر، فرستاده ویژه بریتانیا در امور سودان دیدار کرد؛ دیداری که در چارچوب رایزنی

درباره وضعیت سیاسی و انسانی صورت گرفت. عقار اظهار داشت که سفر فرستاده بریتانیا باید به‌جای تلاش برای شناخت دیدگاه دولت سودان، حامل طرح بریتانیا برای پایان‌دادن به جنگ می‌بود. وی خاطرنشان کرد که دولت، نقشه راهی را به تمام نهادهای بین‌المللی و هیئت‌های دیپلماتیک ارائه کرده است، به‌ویژه آنکه حمایت شبه‌نظامیان در تمام شبکه‌های جهانی به نمایش درآمده است.) (رپورت سودان ۲۵/۱۲/۴)

از اینجا روشن می‌شود که بریتانیا کماست از صحنه سودان حذف شده است، درحالی‌که این آمریکاییان که رویدادها را رقم می‌زنند و قبضه قدرت را در دست دارد: (در اقدامی که نشان‌دهنده تحرك در تلاش‌های دیپلماتیک آمریکا برای پایان‌دادن به جنگ سودان است، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا امروز بر توجه شخصی خود به مسئله جنگ سودان تأکید کرد و خاطرنشان ساخت که نمایندگانی برای مذاکره نخواهد فرستاد، بلکه شخصاً تلاش‌های مستقیمی را برای پایان‌دادن به درگیری انجام خواهد داد. این موضوع در جریان نشست خبری مشترک با مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا مطرح شد که از شبکه‌های اصلی آمریکا مانند CNN و Fox News پخش گردید. پرزیدنت ترامپ همراه با روبیو در کاخ سفید ظاهر شد، جایی که روبیو حمایت کامل خود را از موضع رئیس‌جمهور ابراز داشت و گفت: «رئیس‌جمهور ترامپ شخصاً به این مسئله اهمیت می‌دهد و نمایندگانی برای انجام این کار نمی‌فرستد... زیرا او تنها رهبر در جهان است که قادر به پایان‌دادن به جنگ می‌باشد». این اعلامیه در چارچوب افزایش تلاش‌های آمریکا برای مداخله در درگیری سودان است که در آوریل ۲۰۲۳ میان ارتش سودان و شبه‌نظامیان واکنش سریع آغاز شد و طبق گزارش‌های سازمان ملل منجر به کشته‌شدن دهها هزار نفر و آوارگی بیش از ۱۲ میلیون نفر شده است. ترامپ پس از درخواست مستقیم ولیعهد سعودی، شاهزاده محمد بن سلمان در جریان سفرش به واشنگتن در نوامبر گذشته، بر تعهد شخصی خود تأکید کرد؛ ترامپ در اظهارنظری پیشین گفته بود: «اوضاع دیوانه‌وار و خارج از کنترل بود، اما من اکنون کار روی سودان را آغاز خواهم کرد (السودانی).

آمریکا بر توقف جنگ نظارت خواهد کرد، اما این امر صورت نمی‌گیرد مگر زمانی که نقشه توطئه کامل آماده باشد؛ امری که اکنون در حال تکمیل است یا عملاً با مسلط کردن رهیادهای واکنش سریع بر تمام اقلیم دارفور به انجام رسیده است.

پس ای مردم سودان: چرا اجازه می‌دهیم سایکس‌پیکوی جدیدی شکل بگیرد؟ مگر منور از یک سوراخ دو بار گزیده می‌شود؟! چگونه کسی که در برابر همه‌ها عامل ویرانی سرزمین ما بوده، می‌تواند مرهمی شفابخش برای دردها و بیماری‌های ما باشد؟ پس سزاور است که در برابر او و بی‌استیسم و بگویم نه و هزاران رده بعد، بلکه باید می‌زور بر سر تمام کسانی که طمع به غارت منابع و تسکینه کردن سرزمینشان دارند، واژگون کنیم و این امر میسر نمی‌شود مگر با برپایی نظامی راشده که دشمنان آن را بر خود بلرزند و هیچ دولتی جز دولت خلافت راشده شایستگی آن را ندارد.

در اسلام چیزی به نام «اقلیت‌ها» وجود ندارد؛ نه در فکر و نه در واقعیت

در اسلام و نه در دولت حقیقی آن که به‌زودی به اذن الله سبحانه‌وتعالی برپا می‌شود (خلافت راشده دوم بر منتهج نبوت)، هیچ وجودی برای آنچه «اقلیت‌ها» نامیده می‌شود نیست؛ نه از نظر فکری و نه از نظر واقعی و نه به آن معنایی که متعارف از فکر غربی به آن اشاره می‌کنند.

بلکه آنچه در دولت نخستین اسلام وجود داشت، از زمانی که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن را بنا نهاد تا زمان نابودی خلافت عثمانی در سال ۱۹۲۴ میلادی، این بود که غیرمسلمانان تحت حمایت دولت و در پناه، رعایت، ذمه و پیمان آن بودند. شعار دولشان در این باره، سخن رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود: «هر کس به مهادنی [غیرمسلمانی] که در پناه دولت اسلامی است] ستم کند، یا از حشش بکشد، یا پیش از توتاش بر او تکلیف کند، یا چیزی را بدون رضایت قلبی‌اش از او بگیرد، من در روز قیامت دشمن [و دادخواه علیه او خواهم بود.

نمونه والای آنان در اجرا، آن چیزی است که به نام «مهادنه غمری» در سال ۱۵ هجری/۶۳۸ میلادی مشهور شده است که در آن خلیفه راشد، عمر بن خطاب (رضی‌الله‌تعالی‌ت عنه) به آنان نسبت به کلیساهای و اموالشان امان داد، دهانه عمری یکی از مهم‌ترین اسناد در تاریخ قدس به شمار می‌آید.

ما تمام کسانی را که دارای چنین نظراتی [درباره اقلیت‌ها] هستند، به گفتار نویسنده «گوستاو لوبون» ارجاع می‌دهیم که ورود عمر بن خطاب (رضی‌الله‌تعالی‌ت عنه) به قدس را چنین توصیف کرده است: «فترت امیرالمؤمنین عمر بن خطاب در شهر قدس، میزان مدارای عظیمی را برای ما اثبات می‌کند که اعراب فاتح ما ملت‌های مغلوب داشتند؛ رفتاری که آنچه علی‌حده چند قرن بعد در قدس مرکب شدند، تاریخی کامل با آن داشت، پس عمر نخواست وارد شهر قدس شود مگر با تعداد اندکی از یارانش، و از اسقف اعظم مفریونیوس خواست که او را بازپذیرد از تمام مکان‌های مقدس همراهی کند. او به ساکنان امان داد و با آنان پیمان بست که کلیساهای و اموالشان محترم شمرده شود و عبادت مسلمانان در کلیساهای آنان ممنوع باشد».

سید اسامه می‌دهد و می‌گوید: «فترت عمرو بن عامر در مصر نیز کمتر از آن مداری نداشت؛ او به مصریان آزادی دینی کامل، عدالتی مطلق و احترام به اموال را پیشهاد کرد و جزیه‌ای سالانه و ثابت که از پانزده فرانک برای هر نفر تجاوز نمی‌کرد، به‌جای مالیات‌های سنگین قیصرهای روم؛ پس مصریان با میل و رغبت و سبازگاری به این شروط رضایت دادند».

ادامه : در سالگرد سرکونی طاغوت شام هوشیار باشید که پیروزی‌تان دزدیده نشود و قربانی منافع بین‌المللی نگردد

بهدرستی درک کنیم که نبرد واقعی، تنها با اشخاص نیست؛ بلکه این وفاداری‌اش را به دین و پروردگارش اعلام نماید و برای حاکمیت نبردی است بنیادین با فکر، سیاست و منهج. نبردی میان حکم الله سبحانه‌وتعالی و حکم بشر، میان شریعت رحمان و قوانین غرب، نبردی میان حاکمیت امت و حاکمیت کافر استعمارگر. این نبردی است برای ریشه‌کن کردن نظام سکولار و رد تمام ابزارهاگماری سازش‌کارانه‌ای که در راهروهای دولت‌های توطئه‌گر هم‌گام و ابزارهایشان همچون سازمان ملل و شورای امنیت بافته می‌شود؛ چرا که آنجا خانه درد و سرچشمه شرارت‌هاست.

مبادا ادعاهای نامیدکنندگان، بازدارندگان و شایعه‌سازان شعا را بغیرید که ما ضعیف و ناتوانیم و چاره‌ای نداریم؛ چرا که عقیده ما رگ حیاتی را زار قدرت ماست. پس هوشیار باشید که پیروزی‌تان دزدیده نشود تا قربانی منافع بین‌المللی گردد و برای ما در کلام الله سبحانه‌وتعالی عبرتی است که می‌فرماید: «فَقَرَى الْاَذْنِیْنِ فِیْ قُلُوْبِهِمْ فَرَسًا یَسْمَعُوْنَ فِیْهِمْ یَقُوْلُوْنَ نَحْنُ اِنْ تَمِیْنُتَا دَاوْرَةَ فَعَسِی اللّٰهُ اَنْ یَّاتِیَ بِبَاقِعٍ اَوْ اَمْرٌ مِّنْ عِنْدِهِ فَمِشْهُوَ عَلٰی اَنْ اَسْوَا فِیْ اَنْفُسِهِمْ نَادِمِیْنَ» «کسانی را که در دل‌هایشان بیماری است می‌بینی که در [دوستی با] آنان شباب می‌کنند و می‌گویند: می‌ترسیم گزند و بلایی به ما برسد. امید است که الله سبحانه‌وتعالی پیروزی یا امری از جانب خود پیش آورد. آنگاه از آنچه در دل‌های خود پنهان می‌داشتند، پشیمان شوند».

ما به برداران و فوهارتمان در شام، آن خیمه‌گاه مسلمانان و اهل اینتر و فدکهای پادشاهی می‌کنیم؛ ای کسانی که صبر کردید، پادشاهی ورزیدید، مزاری را توجید و قربانی دادید؛ همانا انقلاب شما برای الله سبحانه‌وتعالی و از خانه‌های الله سبحانه‌وتعالی آغاز شد تا عزت و کرامت خود را طلب کند. هویت و شکوه تمدن خود را باز پس گیرد.

خطاب به ارتش پاکستان: هر کس رستگاری می‌خواهد، باید برای این شرف بکوشد

ای گروه‌ای مسلح پاکستان؛ بجای آنکه ارتش‌های پاکستان، مصر، اردن، عربستان، اندونزی و دیگر کشورهای منطقه برای نابودی رژیم صهیونیستی بیا فیزد، دباور این‌مسئله‌های همگی در جهت حفاظت از این رژیم و مقابله با مقاومت فلسطین به‌حرکت درآید. دماخند. اما یقیناً بدانید که تمام تلاش‌های آنان برای این‌ها، این‌ها غده سرطانی‌شکست خود را خورده؛ چرا که زمان‌تغیض، شرارت نبوی را بر سریده است؛ رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «قطعا با یهود خود‌خواهد جنگید و آنان را خواهد کشت» [صحیح مسلم].

اما این‌شرارت محقق نخواهد شد مگر به‌دست مردان مؤمن و شجاعی که زمینه را برای تغییر در اسلام‌آباد فراهم می‌کنند و به‌حزب‌التحریر – رهبری حقیقی، مبارک و پریمی طاقات است – نصرت می‌دهند و با خیره‌ن‌بیعت می‌کنند؛ کسی که به‌پارای الله سبحانه‌وتعالی شهادت ثبت کند و طایفه را پایان دهد، مرتضی‌ها را که مسلمانان را پران‌کنده کرده برمی‌چیند و افغانستان، آسیای میانه، خلیج و دیگر سرزمین‌ها را در سایه‌یک دولت واحد متحد می‌سازد و کارگران را از هر سر محاصره می‌کند.

در آن هنگام، ایزره بر اندام رژیم یهود خواهد افتاد و آنان پشت درخت و سنگ به دنبال مخفیگاه می‌گردند. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «قیامت برپا می‌شود تا آنکه مسلمانان با یهود بجنگند. پس مسلمانان آنان را می‌کشند. تا جایی که یهودی پشت‌سنگ و درخت‌پنهان می‌شود. آنکه سنگ‌ها درخت می‌گوید، ای مسلمانان! ای‌بنده الله سبحانه‌وتعالی، این‌یهودی که پشت‌من می‌پشت من است، بیا و او را بکش» [صحیح مسلم]. پس هر کس خواهان رستگاری است، باید برای آن [رسیدن به] این‌شرف بکوشد.

ادامه: استراتژی امنیت ملی آمریکا ۲۰۲۵؛ انگیزه‌های جهت‌گیری‌ها و پیامدها

بناست شد این رویکرد شبیه کودتایی علیه سنت‌های آمریکا به نظر برسد، اما با وجود اینکه در جوهر خود امتداد محکمی از گرایش‌های موجود بود. تغییر واقعی ابتدا در تبدیل شعار «حفاظت از داخل» از یک اصل ضمنی به یک قاعده تهاجمی در تمام پرونده‌ها نمایان شد؛ از طریق خروج صریح از توافق‌نامه‌های بین‌المللی با فرانسه و پاریس و شرارت تراس – مهاجرت و زمینه‌های سیاسی با هدف بسیج پایگاه انتخاباتی و بازتعیین نقش آمریکا در سطح جهانی، بدین ترتیب، «اول آمریکا» دکتربنی با ریشه‌های متعدد به شعار می‌آید که اندیشه ملی‌گرایی را با ملاحظات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی درمی‌آمیزد.

استراتژی امنیت ملی آمریکا در دوره ترامپ بازتاب‌دهنده بازگشتی آشکار به مبانی فلسفی دکترین مونرو (۱۸۲۳) است. این امر از طریق اولویت دادن به داخل آمریکا، کاهش تعهدات نظامی و دیپلماتیک خارجی و تلقی مشارکت بین‌المللی به‌عنوان باری که باید محدود شود (مگر آنکه منفعتی مستقیم برای آمریکا داشته باشد) صورت می‌گیرد. این استراتژی مفهوم «اول آمریکا» را به چارچوبی نهادی تبدیل می‌کند که به «انزوایی گزینشی» نزدیک‌تر است؛ جایی که آمریکا تنها زمانی مداخله می‌کند که پای منافع حیاتی در میان باشد، درحالی‌که از ایفا نقش پلیس جهان یا پرچمدار دموکراسی در سطح جهانی دوری می‌گزیند. این رویکرد، اندادی مدرن از روش مونرو در کناره‌گیری استراتژیک از درگیری‌های جهان قدیم است. «انزوایی گزینشی» که حفاظت از منافع ملی را با حفظ ابزارهای اساسی همکاری بین‌المللی ترکیب می‌کند، همراه با وادار کردن متحدان به تحمل بارهای بیشتر بدون دست کشیدن کامل از ابزارهای بازدارندگی و حکمرانی جهانی و بدون افزش مجدد به نقش پلیس فراگیر جهان؛ این یعنی سیاست خارجی‌ای که جهان را رد نمی‌کند. بلکه منافع خود را طبق منطق منافع مستقیم بازسنجی می‌کند، همراه با گرایش به احتیاط در برابر تعهدات بلندمدت.

جهت‌گیری‌های ترامپ استستا نیستند:

رویکرد دولت ترامپ انحرافی کامل از مسیر تاریخی سیاست خارجی آمریکا نیست، بلکه نوعی سخت‌گیری ردیگال در درون یک خصم‌ی عمومی ثابت است که بر اصل اولویت منافع ملی استوار می‌باشد. چرا که آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم عقیده را راسخ در قلم کرده که در چهار سال دانی نمود می‌یابد؛ رهبری جهانی به‌عنوان «کشور ضروری» برای تنظیم نظم بین‌المللی، جلوگیری از ظهور قدرت رقیب سلطه‌گر در مناطق حساس (اروپا، شرق آسیا، خاورمیانه)، گسترش نفوذ اقتصادی آمریکا و حفاظت از تجارت جهانی و مدیریت شکاف‌های گسترده از ائتلاف (ناتو).

آسیا، خاورمیانه) با منطق «حفاظت در برابر نفوذ». این اصول در دولت‌های پخ‌دیری از ترومن تا اوپاما اساسی باقی مانده‌اند که این امر مؤید وجود یک چارچوب استراتژیک ثابت است. با این حال، روشی که ترامپ در پیش گرفت و شدت اجرای آن، به‌درستی درک کنیم که نبرد واقعی، تنها با اشخاص نیست؛ بلکه این وفاداری‌اش را به دین و پروردگارش اعلام نماید و برای حاکمیت نبردی است بنیادین با فکر، سیاست و منهج. نبردی میان حکم الله سبحانه‌وتعالی و حکم بشر، میان شریعت رحمان و قوانین غرب، نبردی میان حاکمیت امت و حاکمیت کافر استعمارگر. این نبردی است برای ریشه‌کن کردن نظام سکولار و رد تمام ابزارهاگماری سازش‌کارانه‌ای که در راهروهای دولت‌های توطئه‌گر هم‌گام و ابزارهایشان همچون سازمان ملل و شورای امنیت بافته می‌شود؛ چرا که آنجا خانه درد و سرچشمه شرارت‌هاست.

باز پس‌گیری آگاهیِ سلب شده

دکتر اشرف ابو عطایا

اشکال بنیادین در پرداختن به مسئله فلسطین در نبود ابزارها

با شغف امکانات نیست، بلکه در چارچوب معرفتی است که عقل سیاسی فرزندانِ امت اسلامی را در طول قرن اخیر شکل داده است.

«ملی‌گرایی» در هیچ لحن‌های پروژه‌ای برای آردسازی نبوده است، بلکه به‌حکم پیدایش و کارکرد تاریخی‌اش، مکانیزمی برای بازسازی آگاهی بر اساس مهندسی «دولت – ملت‌های کارکردی» (دولت‌های قُطری) بوده که قدرت‌های استعماری آن را تحمیل کردند؛ بنابراین، تبدیل مسئله فلسطین به یک «مسئله ملی» تنها گامی در روند ریشه‌کن کردن آن از بستر طبیعی‌اش بود؛ یعنی بستر امت و آگاهی و عقیده‌اش و کجاندن آن در یک منطق سیاسی‌تنگ که از ابتدا برای کنترل ملتها و مدیریت مرزهای تجزیه بنا شده بود.

ملی‌گرایی در جوهر خود، گفتمانی بدون محتوای فلسفی یا استراتژیک است؛ بلکه چارچوبی از تعلق توتالی است که هیچ پاسخی به پرسش‌های بزرگ مربوط به اقتصاد، سیاست، دین یا اجتماع نمی‌دهد. هویت ملی، با آن انتفا‌های‌پذیری نامشغش، برای سکولار و دین‌دار، دموکرات و مستبد و لیبرال و سوسیالیست جا دارد بدون آنکه بینشی فراهم کند که هدف وجود سیاسی یا جایگاه این مسئله را در ساختار آگاهی عمومی تعیین نماید. همین خنا معرفتی است که اجازه داد مسئله فلسطین به یک پرونده اداری قابل‌مذکره تبدیل شود که قدرت‌های بین‌المللی درباره آن تصمیم می‌گیرند، نه به یک مسئله عقیدتی و تمدنی که به جوهر وجود امت و معنای آن متصل است.

بختی در آن اینکه اندیشه ملی تنها به تاتوانی در تولید تصویری برای آردسازی بسنده نکرد، بلکه فعالانه در تثبیت شکست سهیم شد. این اندیشه، فلسطین را بر اساس منطق مرزهای سیاسی بازتعریف کرد، نه منطق تمدن عقیدتی و آن را از گستره‌ای دارای دلالت تمدنی، به مسئله ملتی که منتظر به رسمیت شناخته‌شدن توسط نظام بین‌الملل است، تقلیل داد و از آنجا که این نظام بین‌الملل خود محصول سلطه استعماری است، عقل ملی خود را در حال فعالیت در درون ساختاری یافت که برای محدود کردنش طراحی شده، نه برای آردسازی‌اش. در نتیجه، «واقعیت» معیار ممکن شد: «مشروعیت بین‌المللی» سقف آزوه‌ها گشت و «مذکره» به هدف سیاست تبدیل شد نه وسیله آن.

ساختار گفتمان ملی بر این پایه استوار است که پرسش‌های حاشیه‌ای را جایگزین پرسش‌های اساسی می‌کند: پرسش «ماهیت درگیری چیست؟» را نادیده می‌گیرد و به پرسش «شکل راه‌حل موردقبول بین‌المللی چیست؟» مشغول می‌شود؛ از پرسش «اول چیست؟» به نفع پرسش «دولت چیست؟» می‌گذرد و از پرسش «تکلیف (واجب) چیست؟» به‌خاطر پرسش «چه چیزی ممکن است؟» دست می‌کشد. بدین‌گونه، آگاهی از «آگاهی صاحب عقیده و رسالت» به «آگاهی محدود به یک کارکرد اداری» تبدیل می‌شود که کارش بهبود شرایط شکست است، نه دره‌هم‌گسستن ساختار آن. به همین دلیل، اندیشه ملی‌گرایانه جز گفتمانی احساسی که دهم‌هاست همان شعارها را تکرار می‌کند، محصولی نداشته است؛ بدون آنکه قدرت تبیین یا برنامه‌ای فکری و تمدنی داشته باشد و با تکیه بیمارگونه به خراج و مشروعیت بین‌المللی، شرطبندی روی مزاج قدرت‌های جهانی و تسلیم ضمنی به این امر که تاریخ ثابت

ربای بانکی، علی‌رغم میلِ حکام زبانتار و بوق‌های تبلیغاتی‌شان، همچنان همام ات است

اظهارات جدیدی از سوی دار‌الافتاح مصر صادر شده که در آن آمده است: «عامل با بانک‌ها و دریافت سود از آن‌ها شرعاً جایز است و همچنین هزینه‌کردن این سودها در راه‌های مباح پلانع می‌باشد».

تعلیق: همان‌طوراکثرترین چیزی که امت با آن روبروست، فقر یا گرانی نیست، بلکه جعل و تحریف آگاهی است؛ آن‌گاه که ریا لباس حلال پوشیده می‌شود و به مردم گفته می‌شود آنچه با سجن‌وتعالی با نص صریح حرام کرده، با یک فتوا یا بیانیه جایز شده است؛ پس ای مسلمانان، آگاه باشید که دینتان را از چه کسی می‌گیرید و احکام پروردگارتان را از کسانی نگیرید که رضایت‌کام را بر رضایت او مقدم می‌دارند و تحقیق کنید که از چه کسی [دین] می‌آموزید؛ زیرا هر کس که بر مسند فتوا نشسته شایستگی آن را ندارد و هر مدیایی که بر سخنانش لباس شرع می‌پوشاند، لزوماً خیرخواه نیست.

ای علمای مسلمانان: همانا الله سبحانه‌وتعالی از شما پیمان گرفته است که حق را بیان کنید و آن را کتمان نسازید و در راه الله سبحانه‌وتعالی از شما هیچ سرزنش‌کننده‌ای نهراسید. پس بوق‌های تبلیغاتی نظامی نباشید که فتوا را برای حلال کردن ریا به کار می‌گیرد و فتاوی نبدهید که الله سبحانه‌وتعالی را به خشم آورد. خدمت‌کنندگان به برپایی دولت اسلام و آردکردن مردم از ستوه سرمایه‌داری باشید، نه توجیه‌مگران واقعیت فاسدی که می‌خواهند امت را در برابر آن به زانو درآورند.

همان امت از شما انتقار سخن راستی ندارد که با آن دل‌ها را زنده کند و اعتماد به دین را به آنان بازگردانید و از شما موضعی را انتقار می‌کشد که موافق با حق باشد که شافعی و وحی بر آن دلالت دارد و امتی که بر دوش گرفته‌اید آن را واجب کرده است. پس پیشگانان عمل برای اجرای اسلام و برپایی دولت آن باشید؛ امید است که الله سبحانه‌وتعالی به دست شما و برای خدا دل‌ها را را بگشاید تا دولت موعود اسلام، خلافت نداشته بر منتهج نبوت، برپا گردد.

امت اسلامی، امتی زنده‌است و باز خواهد گشت تا رسالت اسلام را بر دوش کشد

همان قدرت فکری در اسلام، گسترده سرزمین‌های مسلمانان و ترس از بازگشت دولت خلافت به سرزمین‌های اسلامی، منبع وحشتی برای کفر و دولت‌های آن تشکیل می‌دهد. به‌ویژه دولت‌های بزرگ که اسلام را خدای می‌بینند که متناشع، بلکه وجودشان را تهدید می‌کند. ای‌آزیرین، آن که وجود قدرت مدنی که دارند و که وجود حکام مژرونی که تعلق آن به اسلام ضروری است، هر از گاهی از این هراس و دغدغه دست برنمی‌دارند.

اما ما به آن‌ها زوده می‌هیم که آنچه از آن می‌هراسند، بیش‌ک و برخلاف میلشان – و علی‌رغم نقشه‌ها، قدرت و مزدورانشان – در راه است. پس دولت خلافت به اذن الله سبحانه‌وتعالی به‌زودی باز می‌گردد و جهان را بر از حدل می‌کند. همان‌گونه که آنان آن را بر از ظلم و برتری کردند. چرا که امت اسلامی امتی زنده است که نمی‌میرد، حتی اگر زمان غیبت شود؛ بازخواهد گشت تا رسالت اسلام – رسالت نور، هدایت و عدالت – را به اذن الله سبحانه‌وتعالی برای تمام مردم حلال کند و همانا در میان امت اسلامی، حزب‌التحریر حضور دارد؛ آن به‌شهادتی که به حدل خود دروغ نیست و حامل پروژه فیزی مشیح آن از طریق برپایی خلافت راشده دوم بر منهج نبوت است، و فردا برای کسی که منتظر آن است، نزدیک می‌گردد. «میردین لطف‌الله نور الله بآنهاهم وانه الله شمه نوره ولو کفر الکافرون» «و اذلی اُرسِل رسولُ الله بالهدی وهدی اذین لظفره علی اذین کله ولو کفر الکافرون» «می‌خواهند نورالله سبحانه‌وتعالی را با دهن‌هایشان خاموش کنند. ولی‌الله سبحانه‌وتعالی کامل‌کننده نور خویش است، هرچند کافران خوش نداشته باشند.» او کسی نست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادما پیروز گرداند. هرچند مشتاقان خوش نداشته باشند».

سر سیردگی محافظت نمی کند و درگیری با غرب حتمی است و مامشات به بهانه ضعف، منجر به تضعیف بیشتر می شود

استاد مصطفی سلیمان

در زمانی که غرب در برابر سرزمین‌های ما موضع رویارویی و دشمنی اتخاذ کرده و در سوره، عراق، افغانستان و دیگر جاها دست به کشتار و خشونت زده است؛ هنوز در ذهن نخبگان سیاسی و رژیم‌های حاکم در سرزمین‌های اسلامی این پندار ریش‌شمار است که «تصمیم به سرسپردگی، سال‌چربین و بازدارندترین تصمیم در برابر شرارت‌های غرب است! آنان گمان می‌کنند که غرب به کسی که به درگاهش التماس کند رحم خواهد کرد یا اجازه می‌دهد از ضعف ساختگی خود خارج شود تا خودشان را بسازند و سپس زمانی که قدرتمند شدند با او روبرو شوند!

آنچه امروز در سوره به‌عنوان یک نمونه عینی مشاهده می‌کنیم (جایاتی که در حق انقلاب و اهل آن مرتکب می‌شوند)، نتیجه طبیعی و مستقیم رویکرد سرسپردگی است. این انحراف زمانی آتار شد که رهبری مرحله جدید تصمیم گرفت از پایگاه مردمی انقلابی و تک‌پناه طبیعی خود دست بکشد و راه وابستگی را در پیش بگیرد. او به اهداف انقلاب پشت کرد، به تک‌پناه خارجی متکی شد، فرار از رویارویی را برگزید، برگ‌های برنده خود را تسلیم بازیگران بین‌المللی کرد و به‌جای چنگ‌زدن به گزینده امت و حقوق و حاکمیت آن، برای جلب رضایت آن به رقابت پرداخت. این امر از طریق یک چرخش بنیادین در گفتمان و روش صورت گرفت، از یک پروژه آزادی‌خواهانه که راهکارهای استعمری را رد می‌کرد، به پروژه‌های سرسپرده که راهکارهای بین‌المللی را می‌پذیرد و با ابزارهای آن عادی‌سازی می‌کند. اینان درک نکردند که سرسپردگی، غرب را راضی نمی‌کند، بلکه او را به باخ‌خواهی بیشتر سوق می‌دهد و اینان نفهمیدند که هر گروهی اگر به مرتبه وابستگی به و روش سرسپردگی به او تن می‌دهد، قادر بود به حکومت برسد و بر کرسی قدرت تکیه‌زد.

از سادام‌وحید کسانیه که حریصانه به دنبال سیاست سرسپردگی می‌خود، این است که گمان می‌کنند غرب به تسلیم شدگان پاداش می‌دهد؛ درحالی‌که سرنوشست تمام ملت‌هایی که رهبر ایشان این مسیر را پیچوند، چیزی جز تنگنا، عذاب و انحطاط نبوده است. تجربه نشان می‌دهد رژیم‌هایی که به غرب امتیاز دادند، هرگز به حمایت یا ثبات دست نیافتند؛ بلکه به عکس، شکنندگی آن‌ها افزون‌تر شد و به‌عوض پایان‌ناپذیریشان، همچون ابزاری بی‌صرف دور انداخته شدند و حزب ایران در لبنان، رژیم ایران، رژیم کرکزی و دیگران، بهترین مثال برای دور انداختن دلدرواه‌ها پس از پایان مأموریت‌شان هستند؛ چرا که غرب با مزبورانش نه به‌عنوان شریک، بلکه به‌عنوان اجبرانی رفتار می‌کند که تا وقتی سوسمندند از آن‌ها استفاده می‌کند و پس از مصرف‌شدن، آن‌ها را دور می‌ریزد.

از همین رو، متذکران که در عملکرد «ولایت»، رهبر دوره انتقالی و ویتربین‌های سیاسی وابسته به او می‌بینیم، از بزرگ کردن چهره‌ها در تریبون‌های بین‌المللی گرفته تا دریافت کمک‌های مشروط و سفر به کشورهای قاتلی همچون روسیه، همگی تنها گام‌هایی در سربال «رام کردن انقلاب» و به انحراف کشاندن

بستن نماز خانه‌ها در دانشگاه‌ها دامناک؛ حمله‌ای آشکار به اسلام و مسلمانان

دانشگاه‌های کپنهاگ و جنوب دانمارک در پی فشارهای سیاسی از سوی دولت، «اتاق‌های سکوت» را که عمدتاً توسط دانشجویان مسلمان برای نماز استفاده می‌شد، تعطیل کردند. «مته دربریکسن»، نخست‌وزیر دانمارک، به دروغ مدعی شد که اتاق‌های نماز در موسسات آموزشی منجر به «کنترل اجتماعی منفی، فشار دینی و سرکوب می‌شود. همچنین «نگاره دیوید ایک»، وزیر پیشین همگرایی (ادغام)، اتاق‌های نماز را این‌گونه توصیف کرد: «فضایی برای فرهنگی کهنه‌پرست که هیچ شخصیت قابل‌ذکری با سبک کار امروز دانمارک ندارد».

تعلیق، همانا تصمیم مدیریت دانشگاه‌ها برای بستن اتاق‌های نماز، یک مسئله اداری بی‌طرفانه نیست، بلکه نتیجه مستقیم یک کمپین سیاسی اسلام‌ستیزانه است. دولت دانمارک با هدف قرار دادن مکان‌های اختصاصی مسلمان به نماز - که در سکن اساسی از ارکان اسلام است - تلاش‌های سیستماتیک خود را برای محدودکردن حقوق مسلمانان و دورکردن شرعاً معاصر از عرصه عمومی تشدید می‌کند و دانشگاه‌ها را به میدانی برای سیاست‌های «ادغام اجباری» تبدیل می‌نماید. بار دیگر، یک دولت غربی به‌وضوح دشمنی خود را با اسلام و مسلمانان اعلام می‌کند و ضعف فکری و شکنندگی آزادی‌های ادعایی‌اش را آشکار می‌سازد؛ درحالی‌که نماز دانشجویان مسلمان را تهدیدی اجتماعی می‌داند که باید با اقداماتی تبعیض‌آمیز و بر پایه‌ای کاملاً ضداسلامی یا از مبارزه کرد. در این میان، دانشگاه‌های مربوطه انتخاب کردند که تسلیم فشارهای سیاسی شوند و به ابزارهای برای تریب و هسان‌سازی تبدیل گردند. درحالی‌که ادعای حمایت از اندیشه آزاد را دارند!

آمریکا شما را بسوی دولت، خواری و آتشی شعله‌ور فرامی‌خواند و پروردگارتان شما را به عزت دنیا و آخرت دعوت می‌کند

ای مسلمانان! مایه اندوه و کریه است که آمریکا سرزمین‌های ما را توسط سربازان خودمان اشغال کند؛ چرا که نیروی اجرائی طرح او از غزه، از ارتش‌های مسلمانان است؛ و ازجمله است که با سلاح‌های خودمان بکشد و مجاهدان را به دست برادرانشان ببندد؛ بدون شک حتی یک کوله شلیک‌کننده!

و بر سرهای واروگن سازید؟
ای مسلمانان! سرزمین مبارک، شفقانه‌نهم‌انترش‌های مسلمانان هستند تا به‌عنوان آزادیبخش و فتح بسوی آن بایانید، نه آنکه زیر سرزمین‌های آمریکا برای محافطت از رژیم بود، سربوک، قدرت مردم فلسطین، طغ صلح مجاهدانشان بایانید. پس آمریکا شما را به ذات خواری و آتشی شعله‌ور فرامی‌خواند و پروردگارتان شما را به عزت دنیا و آخرت دعوت می‌کند. پس دعوت الله سبحانه‌وتعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را اثبات کنید و در کمال‌الله سبحانه‌وتعالی خبر نمانید، «افلا یختریزون انظران ان علی غلب افغانیا - این آخرین ارتزوان علی اندیزهم من بعد ما عینتین لهم نهی افغانی ایشان سول لهم واملی لهم». کذب، باطن‌ها فتنه لندین گروهوا ما تزل الله بنصفهمکلی به بغی انفس والله یغنم انفسهم ازهم». فکیف اذا توفقهتم المملکتک بشربین ووفقهتم انفسهم سول لهم ذلک بانهتم انفسهم ما اسفوا الله وکرهوا؛ رضوانه فانیه انعامهم! «یا در قرآن تدریس می‌کنند که بر دل‌هایشان قل‌ها زده شده است: ههنا سانس که بعد از آنکه هدایت برایشان روشن شد، به پشت برگزیدند! (و مرتد شدند). شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان آراست و آنان را از توبه‌شان هوانی فریبت، این به نظر آن است که آنها به سنی که در نور و سوزی است از سوی الله سبحانه‌وتعالی را نفووش می‌داشتند گفتند؛ ما در برخی امور از شما اطاعت می‌کنیم. درحالی‌که الله سبحانه‌وتعالی اسرار آنها را می‌داند - پس چگونه خواهد بود همنانی که فرشتگان جان آنها را می‌گیرند و بر صورت و پشت آنها می‌زنند؟ - این به نظر آن است که آنها که آنچه الله سبحانه‌وتعالی برای آن‌ها به ششم می‌آورد پیروی کرد و آنچه را بویب خشودی اوست نفووش داشتند. پس [الله سبحانه‌وتعالی] انعامشان را تباب ساخت».

صحنه سیاسی مصر؛ میان وابستگی خارجی، استبداد و مسئولیت داخلی صاحبان قدرت و شوکت

استاد سعید فضل

امعال نمی‌کند، بلکه به‌عنوان وکیل سیاسی، امنیتی و اقتصادی غرب عمل می‌کند و در مسائل کوچک و بزرگ تسلیم شروط آن است. حاکمیت تنها برافراشتن پرچم یا وجود مرزهای جغرافیایی نیست، بلکه تصمیمی مستقل و نظام حکومتی برگرفته از عقیده امت و سیاست‌هایی است که تابع اراده خارج نباشد و تمام این موارد غایب هستند.

۲- مشارکت در محاصره غزه؛
واجب شرعی در قبال غزه و در قبال هر سرزمین اسلامی که مورد تجاوز قرار می‌گیرد، یاری‌رساندن است، نه تسهیل‌کردن یا شرکت در ترتیبات امنیتی که محاصره را پابرجا نگه می‌دارد. واقعیت آشکار می‌کند که مدیریت گذرگاه رفح تصمیمی داخلی و مستقل نیست، بلکه بخشی از تفاهات امنیتی و سیاسی با آمریکا و رژیم یهود است.

۳- تداوم وابستگی اقتصادی؛
وام‌ها و توافق‌نامه‌های مرتبط با دیکته‌های خارجی، تنها مردم بر اساس حکم مردم کردن سلطه بر کشور از طریق پیونددادن اقتصاد آن به نهادهای بین‌المللی است. اقتصادی که بر پایه وام‌گیری و اخذ مالیت و عوارض استوار باشد، نه پیشرفت می‌کند و نه قدرتی واقعی می‌سازد.

۴- مشروعبیت حقیقی در «ثبات» ادعایی نیست؛
ثبات حقیقی بر پایه عدالت، رفع ظلم و رسیدگی به امور مردم بر اساس احکام اسلام استوار است، نه از طریق مشیت آههین امنیتی و نه از طریق اطمینان‌بخشی به قدرت‌های بزرگ.
بر اساس شخص‌های کنونی، می‌توان موارد زیر را پیش‌بینی‌کرد:

۱- عمیق‌تر شدن وابستگی در پرونده‌های منطقه‌ای، به‌ویژه غزه، لبنان، شرق مدیترانه و دریای سرخ.
۲- تداوم فشارهای اقتصادی، همراه با افزایش موج مالیات‌ها، عوارض و حذف یارانه‌ها در پاسخ به شروط واردحندگان و نهادهای بین‌المللی.
۳- تشدید فضای امنیتی، به‌ویژه با بالارفتن نرخ خشم مردمی و افزایش نارضایتی.
۴- افزایش گفتمان تبلیغاتی، رسانه‌ها به‌تسلیم دستاوردها و پروژه‌ها و تشدید تبلیغات داد، درحالی‌که روزمره برای مردم سخت‌تر و دشن‌تر می‌شود.
محده مصر در روزهای گذشته تفاوتی با بستر کلی که سال‌هاست از آن سر می‌برد، ندارد که همان تحركات رسمی هماهنگ با سیاست‌های غربی، مدیریت امنیتی داخل و بهربرمداری سیاسی و رسانه‌ای از گفتمان اقتصادی برای تسکین خشم است. همه این‌ها در سایه نود یک پروژه سیاسی مستقل و نبود نظامی که بیانگر هویت امت باشد، بر اساس احکام اسلام استوار گردد و وفاداری را برای الله سبحانه‌وتعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار دهد، نه نهادهای وام‌دهنده و مخالف غربی، در بجبوحه این تحولات، نقش گروهی برجسته می‌شود که هرگز جایگاه خود را در حافظه تاریخی امت از دست نداده‌اند: سربازان(کنانه (ارتش مصر) - همان صاحبان قدرت، شوکت و صمرت، در میان سیاست‌هایی که کشور را به بند می‌کشد و سرسپردگی‌هایی که حلقه محاصره را تشدید می‌سازد و نیز در برابر تصمیمی‌ت‌ها که بر اساس نیازهای مردم، بلکه در پاسخ به فشارهای خارجی اتخاذ می‌شوند، قدرت حقیقی همچنان در دستان آنان باقی می‌ماند.

ای سربازان: همانا امتی که فرزندانش را در صف‌های شما تقدیم کرد و در شما دژ استوار خود را می‌بینید، از شما انتظاری دارد که شایسته مسئولیتی باشد که الله سبحانه‌وتعالی بر گردن‌هایتان نهاده است؛ اینکه پشتیبان حق باشید آنکه که ضعیف می‌شود، سیری برای مردم عادلان باشد آنکه از واقع می‌شوند و شمشیری برای عدالت باشید آنکه قربانی می‌گرد و شما اکثرترین مردم هستند به‌ایده مسیری که کشور امروز به‌سوی آن رانده می‌شود با تمام وابستگی‌اش به خارج، ضایع کردن قضایای امت و به‌خمدت گرفتن دین در جهت منافع سیاسی نمی‌تواند با مسئولیت شرعی‌شما و با امتی‌که در روز انتخاب سربازان برای این امت بر دوش گرفتید، سازگار باشد.

مباحث تاریخ با اظهارات سیاسی و برنامهای اقتصادی وابسته تغییر نمی‌کند، بلکه زمانی تغییر می‌کند که نیرویی به حرکت درآید که به مردم امید بخشد و پیوند گسسته میان امت و عقیده‌اش و برپه عزتشان را دوباره برقرار سازد و این قدرت در دستان شماسیت، امت پیرامون و شماسیت و این لحظه‌شما را فرامی‌خواند.

بار الله، دولت اسلام و اقتدار و شریعت آن را به ما بازگردان تا دوباره در سایه‌اش پناه گیریم؛ خلافتی را شده بر منج نبوت، «یا ایها الذین آمنوا استنجیوا لله وللائسول إذا دعاکم لما یحییکم».

در روزهای اخیر فعالیت رسانه‌ای مسئولان امنیتی مشاهده شده که «تلاش‌هایی برای سواستفاده از شرایط اقتصادی» شه‌دار می‌دهند و دعوت به یاری دولت می‌کنند. هدف این گفتمان، بازداشتن هرگونه‌تحرك مردمی و معرفی دستگاه‌های امنیتی به‌عنوان سوپای اطمینان و در نتیجه سرپوش‌گذاری بر خشم داخلی فزاینده و هرگونه‌برخورد دستگاه‌های امنیتی آن است. همچنین از زبان «چالش‌ها» تهدیدات، برای توجیه تداوم فضای امنیتی و کنترل عرصه عمومی استفاده می‌شود.

تحلیل وضعیت:

۱- ماهیت دولت کنونی؛

پیگیری دقیق نشان می‌دهد که دولت حاکمیت حقیقی صحنه مصر در روزهای اخیر شاهد مجموعه‌ای از تحركات و اظهارات بر سطوح سیاسی، امنیتی و اقتصادی است که در آن الگوهای واحدی تکرار می‌شود: اطمینان‌بخشی به خارج، آرام‌سازی مصنوعی در داخل و سیاست‌هایی که وابستگی کشور در دست قدرت‌های بین‌المللی، مشخصاً آمریکا و اتحادیه اروپا را افزایش می‌دهد. صحنه عمومی بازتاب‌دهنده ادامه حرکت دولت در همان چارچوبی است که از دهه‌ها پیش شکل گرفته است یعنی همان منظومه حکمرانی مبتنی بر رعایت منافع خارجی و مهار ملت از طریق ابزارهای امنیتی و اقتصادی سخت می‌باشد.

۱- ماهیت دولت کنونی؛

پیگیری دقیق نشان می‌دهد که دولت حاکمیت حقیقی